

تاریخچہ سہ سال و نیمہ

۱۹۱۷-۱۹۱۴ جنگ

روس، انگلیس، آلمان، عثمانی و ایران

ملک الشعراء بہار

بہ کوشش

کاوہ بیات

سروشنامه	بهار، محمدتقی، ۱۳۳۰-۱۲۶۵ :
عنوان و نام پدیدآور	: تاریخچه سه سال و نیمه ما و جنگ (۱۹۱۷-۱۹۱۴) روس، انگلیس، آلمان؛ عثمانی و ایران /
مشخصات نشر	ملک الشعراء بهار؛ به کوشش کاوه بیات
مشخصات ظاهری	: تهران: انتشارات شیرازه کتاب ما، ۱۳۹۹.
فروست	: ۳۰۶ ص: ۱۴/۵ @ ۱۲/۵ س.م.
شابک	: مجموعه تاریخ معاصر ایران؛ ۸۲
وضعیت فهرست نویسی	: ۳-۳۹-۶۸۴۳-۶۲۲-۹۷۸
موضوع	: فیبا
موضوع	: جنگ جهانی اول، ۱۹۱۴-۱۹۱۸ م—ایران—نشریات ادواری
موضوع	: World War, 1914-1918—Iran—Periodicals :
موضوع	: رعد(روزنامه) Rad Newspaper :
موضوع	: نوبهار(روزنامه) Nobahar (Newspaper) :
موضوع	: جنگ جهانی اول، ۱۹۱۴-۱۹۱۸ م—ایران—اسناد و مدارک
موضوع	: World War, 1914-1918—Iran—Sources :
موضوع	: ایران—سیاست و حکومت—۱۲۹۰—نشریات ادواری
موضوع	: Iran—Politics and government—1911—Periodicals :
موضوع	: ایران—تاریخ—۱۲۹۰—دخالت خارجی—اسناد و مدارک
موضوع	: Iran—History—1911—Participation, Foreign—Sources :
شناسه ا.ر.د.	: بیات، کاوه، ۱۳۳۳-، گردآورنده
رده بندی کتبی	: DSR1۴۷
رده بندی دیویی	: ۹۰۹/۵۲۰۴
شماره کتابشناسی ملی	: ۹۰۹۱۰



تاریخچه سه سال و نیمه ما و جنگ (۱۹۱۷-۱۹۱۴)

روس، انگلیس، آلمان، عثمانی و ایران

ملک الشعراء بهار

به کوشش: کاوه بیات

انتشارات: شیرازه کتاب ما

چاپ و صحافی: پردیس دانش

تیراژ: ۷۷۰ نسخه

چاپ اول: اردیبهشت ۱۳۹۹

حق چاپ و نشر محفوظ است.

این کتاب با کاغذ حمایتی منتشر شده است

تهران، صندوق پستی: ۱۱۱-۱۳۱۴۵

تلفن: ۸۸۹۵۲۲۹۷ فکس: ۸۸۹۵۱۶۹۱

همراه: ۹۵۰۰۱۸۲-۰۹۳۶

سایت: www.shirazehketab.net

فهرست مطالب

۷	مقدمه
۲۷	فصل اول
۴۹	فصل دوم
۶۷	فصل سوم
۸۳	فصل چهارم
۹۱	فصل پنجم
۱۰۳	فصل ششم
۱۱۵	فصل هفتم
۱۲۱	فصل هشتم
۱۳۷	فصل نهم
۱۴۷	فصل دهم
۱۵۵	فصل یازدهم

۱۶۷	فصل دوازدهم
۱۸۳	فصل سیزدهم
۱۹۱	فصل چهاردهم
۱۹۹	فصل پانزدهم
۲۰۹	فصل شانزدهم
۲۱۹	پیوست‌ها
۲۲۱	۱. سیرت عبرت... رعد
۲۳۳	۲. سیاه شوید... رعد
۲۴۴	۳. ناف دهید... رعد
۲۴۹	۴. مرا بسناس... رعد
۲۷۵	۵. در پیشگاه تاریخ... رعد
۲۸۱	۶. توقیف رعد... رعد
۲۸۵	۷. اندرز، نوبهار
۲۹۱	فهرست اعلام

مقدمه

«تاریخچه سه سال و نیمه مار جنگ، ۱۹۱۷-۱۹۱۴، روس، انگلیس / آلمان، عثمانی» که ملک الشعراء بهار از آن عنوان تاریخی یاد می‌کند که از «روی اسناد و مدارک رسمی و کتاب سبز دهات ایران در قضایای سه سال و نیمه جنگ یعنی تا سال ۱۹۱۸ نوشته و در روزنامه نه بهار همان سال چاپ شده است»^۱، حاصل یک جدل قلمی بین سید...^۲ «دین طباطبایی، نگارنده روزنامه رعد و ملک الشعراء بهار بود؛ تاریخچه‌ای که ملک الشعراء امیدوار بود آنها به انضمام مجموع یادداشت‌های دیگر در «موضع فرست» به طبع... [رسد تا]... از روی آن اسناد معلوم [شود] که انقلابات ایران زیر سر دولت تزاری است»^۲.

اوایل زمستان ۱۳۳۶ ه. ق/ ۱۹۱۷ م، زمان بروز این جدال قلمی یکی از ادوار بحرانی تاریخ معاصر ایران بود. پیشامد انقلاب ۱۹۱۷ روسیه و

۱. ملک الشعراء بهار، تاریخ مختصر احزاب سیاسی ایران، جلد اول، انقراض قاجاریه، تهران: جیبی،

۱۳۵۷، ص ۱۵.

۲. همان.

درهم شکستن چیرگی خفقان‌بار روسیه تزاری بر ایران این امید را در دل ایرانیان به وجود آورد که شاید بتوان از فرصت بهره برد و موجبات اعاده استقلال از دست رفته را فراهم آورد. اما به رغم عقب‌نشینی قوای روسیه از ایران و ناکار شدن یک بدخواه اساسی، اصل جنگ و رویارویی دیگر قدرت‌های برجای‌مانده طرفین، آلمان و عثمانی در آن‌سو و بریتانیا در این‌سو امکان ادامه داشت و همان عواملی که در آغاز جنگ بی‌اعتنا به خواسته‌های ایران، ایران را صحنه کارزار ساختند، هنوز در کار بود و ایران همچنان عرصه تاخت و تاز طرفین باقی ماند. آلمان و عثمانی سرمست از فروپاشی روسیه و گشایش شدن دست آنها در ایران و قفقاز و بین‌النهرین، و بریتانیا با نگرانی از این پیشامد، مترصد پرکردن جای خالی روسیه و هر دو طرف همچنان بی‌اعتنا به خواسته‌های ایرانیان.

یک طرفی

در خلال مراحل نخست جنگ، کشیده‌شدن دامنه‌های آن به خاک ایران، تحولات و رخدادها به گونه‌ای رقم خورد که با رنگ‌باختن بیش از پیش موضوع بی‌طرفی، اکثر نیروهای سیاسی به این نتیجه رسیدند که دو راه بیش در پیش رو نیست، یا همراهی و همسویی با متحدین (آلمان و عثمانی) در نتیجه جمعی به همراهی و همسویی با متحدین (آلمان و عثمانی) در نتیجه جمعی به متحدین پیوسته و پس از یک تلاش ناموفق برای همراه ساختن احمدشاه، در محرم ۱۳۳۴ تهران را ترک گفته و راه مهاجرت در پیش گرفتند. جمعی نیز در کنار احمدشاه در تهران مانده و بر خواسته‌های متفقین گردن نهادند و در خلال این تحولات بخش‌های وسیعی از قلمروی کشور را جنگ و آشوب فراگرفت.

همان‌گونه که اشاره شد با انقلاب ۱۹۱۷ و عقب‌نشینی قوای روسیه از

ایران، در کنار باز شدن فضای سیاسی که خود را در شروع دور جدیدی از تحرکات سیاسی و انتشار طیف متنوعی از جراید نشان داد، بار دیگر اتخاذ سیاستی مطابق با وضعیت جدید و بهترین راه پیگیری خواسته‌هایی چون لغو معاهدات استقلال‌شکنی مانند قرارداد ۱۹۰۷ روس و انگلیس و مکمل کمرشکن آن در ۱۹۱۵ که به تازگی از سوی انقلابیون روسیه افشاء شده بود، خروج اقامانده قوای خارجی از ایران و بازسازی نظام سیاسی و اقتصادی کشور و تشکیل یک قوای نظامی متحدالشکل مورد بحث و گفتگو قرار گرفت.

اما به تدریج روشن شد که صرفاً ناکار شدن یکی از دشمنان اصلی استقلال ایران برای محترم پندارن آرزوهایی کفایت نمی‌کند؛ در کنار تداوم تحرکات نظامی طرفین درگیر در خاک ایران، نیروهای سیاسی کشور از دست‌یافتن به نوعی وفاق همدلی که شرط اصلی مواجهه با چنان وضعیتی به‌شمار می‌رفت نیز عاجز و ناوان بودند؛ تشکیل و سقوط پی‌درپی مجموعه‌ای از دولت‌های مستعجل، در فاصله بهار ۱۳۳۵ ه‍.ق/۱۹۱۷ م تا تابستان ۱۳۳۶/۱۹۱۸ به صورت کابینه‌های ناچار بلاء السلطنه، عین‌الدوله، مستوفی‌الممالک و بالاخره صمصام‌السلطنه از نشانه‌های آشکار این عجز و ناتوانی بود و وخامت بیش از پیش وضعیت مملکت بین‌حاصل آشکار این اغتشاش. اگرچه عطف توجهی به تجارب سیاسی ایران در سنوات اخیر، از جمله تحولاتی که در پاییز ۱۳۳۳ ه‍.ق/۱۹۱۵ م به بحران تنزیری پایتخت و لشکرکشی قوای بیگانه به اقصی نقاط کشور منجر شد می‌بایست در نقد و تصحیح رویکردهای سیاسی پیشین و اتخاذ روشی واقع‌گرایانه‌تر و متفاوت از پیش مؤثر واقع شود اما به گونه‌ای که معلوم شد بسیاری از نیروهای سیاسی وقت اصولاً ایراد و اشکالی در سیاست‌های پیشین خود نمی‌دیدند که به یک‌چنین ارزیابی و نقد مجددی احساس نیاز

کنند^۱ و در نتیجه در نوع رویکرد آنها به جهان پیرامون نیز تغییری ایجاد نشد. این امر به‌ویژه هنگامی آشکار شد که در پی تلاش عبدالمجید میرزا عین‌الدوله برای تشکیل دولت در پاییز ۱۳۳۶/۱۹۱۷ کم و بیش همان نیروهایی که حدود سه سال پیش موجبات استیضاح و برکناری او را فراهم آوردند و در پی آن بحران تغییر پایتخت و دیگر مسائل حاصل از آن پیش آمد این بار نیز بر ضد او وارد عمل شده و اگر هم احتمالی برای تشکیل یک دولت بالنسبه مقتدر و باثبات در کار بود، این امکان نیز منتفی شد.

رعد آن در

سیدضیاءالدین طاطبایر که پس از حدود یک‌سال و دو ماه وقفه در آستانه تشکیل کابینه غیرالدوله از انتشار رعد را آغاز کرده بود، تشکیل کابینه مزبور را فرصتی ارزیابی کرد برای «خاتمه بحران شش‌ماهه»ای که در اثر عملکرد کابینه‌های پیشین دانسته می‌شد. اینک که «...کابینه سابق - [علاءالسلطنه] - تغییر و نظربه تصمیم ذات اقدس همایونی شاهزاده عین‌الدوله با شرط عضویت آقایان مستوفی‌الممالک، مشیرالدوله و مؤتمن‌الملک به مقام ریاست وزراء انتخاب...» شده بود و علاوه بر این قرار بود «آقای وثوق‌الدوله نیز یکی از وزارجانها باشد...» کند امید آن بود که شاید این بار «به مراتب بیش از دیگران وفادار به پیشرفت امور» گردند.^۳

۱. برای نمونه می‌توان به مقاله‌ای اشاره کرد تحت عنوان «خلاصه وقایع ایران در سال گذشته از قلم یکی از سیاسیون ایران» در شماره ۱۸-۱۹ نشریه کاوه چاپ برلین (۲۲ ربیع‌الاول ۱۳۳۵/۱۵ فوریه ۱۹۱۷، صص ۸-۱۳) که در عین ارائه گزارش منصفانه و موجزی از تحولات جنگ در فاصله دیحجه ۱۳۳۳ تا شوال ۱۳۳۴ از هرگونه نقد و ارزیابی اجتناب می‌کند.

۲. «امید و انتظار، خاتمه بحران شش‌ماهه»، رعد، سال ۹، ش ۵، صفر ۱۳۳۶.

۳. همان.